

## تفکر انتقادی

دکتر عباس صادقی<sup>۱</sup>

صدور انوری<sup>۲</sup>

### چکیده

«تفکر انتقادی، از مباحثی است که فلاسفه معاصر پیگیر آن هستند و به نظر آنها می‌تواند نتایج مختلفی از جمله نتیجه فرهنگی فلسفی داشته باشد. به نظر این فلاسفه دنیای مدرن نیاز به تفکر انتقادی دارد، چون برای افرادی که در جامعه مدرن زندگی می‌کنند آرا و نظرات و مدهای مختلفی پیشنهاد می‌شود و این فرد باید از میان آنها یکی را انتخاب کرده و مورد نقد و بررسی قرار دهیم و بعضی از کنار بگذارد و آنچه بهترین است را انتخاب کند، این نوع تفکر در سنت اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. در این مقاله ابتدا به بحث و بررسی تفکر انتقادی پرداخته و سپس جایگاه آن در مکتب اسلام مورد بحث قرار گرفته و در خاتم راهکارهایی برای ایجاد یک کلاس درس انتقادی و ویژگی‌های تکالیف انتقادی اشاره شده است.»

---

۱. استادیار گروه علوم تربیتی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان

۲. کارشناس ارشد مدیریت آموزشی

در قرن نوزدهم جان استوارت میل منطق اسگرایی را در مقابل قیاس ارسطویی مطرح کرد. تفکر انتقادی صورت جدیدی از منطق است که اولاً سعی می‌کند مفاهیم ساده را در برخورد انتقادی با افراد و ارزیابی افکار به کار گیرد. ثانیاً از دستاوردهای بخش‌های دیگر فلسفه مثل فلسفه زبان، معناشناسی، نشانه‌شناسی و معرفت‌شناسی و امثال آن کمک می‌گیرد تا به سادگی بتواند افکار مختلف را ارزیابی کند. ایده اصلی این تفکر این بود که روش‌های فلسفی و روش‌های فکر کردن را به درون جامعه بیاورند که تنها راه آن از طریق آموزش و پرورش و نهادینه کردن آن است. برای اینکه این کار انجام شود متون فلسفی محض را کنار گذاشته و سعی کرده‌اند موضوعات فکری مناسب و موردنیاز کودکان را وارد داستان‌ها بکنند و از این طریق آن را به آموزش و پرورش تزریق کنند.

### تفکر انتقادی در اسلام

اگر تفکر انتقادی به معنای برخورد انتقادی با افکار باشد نه تنها در سنت فلسفه و علوم، حقوق اسلامی سابقه دارد، بلکه در حوزه‌های علمیه بخشی از توان طلاب و متخصصان نیز صرف انتقاد از آرای دیگران شده و می‌شود. مقالات جدید تفکر انتقادی ریشه در فلسفه اسلامی دارد و به مطالعات و پیدا کردن معایب منطقی اهمیت داده می‌شود.

بنابراین در تاریخ فلسفه اسلامی یک نوع سنت که هر فیلسوفی به آرای دیگران نگاه انتقادی داشته باشد وجود دارد و با ابزارهای منطقی نیز تلاش کرده‌اند فلسفه و دیدگاه‌های دیگران را ارزیابی کنند ولی فلسفه را ساده نکردند. شاید اعتقاد داشته‌اند فلسفه باید پیچیده باشد.